

کتاب و کتابسازی

در جهان اسلام*

جان. ال. شارپ^۱ ترجمه: عباس احمدوند

کتابخانه ویلیام. آر. پرکنیز دانشگاه دوک، کارولینای شمالی^۲

داشت. این فن اگرچه به سادگی آغاز شد، اما تولید کتاب قالب هنری پیچیده‌ای یافت که علاوه بر مهارت کتاب به تهذیب گران و صحافان و نیز کاغذ، جوهر، قلم، رنگ، نخ، پارچه، چرم و کاغذ پوستی سازان نیاز داشت.

نوشت افزارهای آغازین

پیش از پیدایش کاغذ^۳ و این که کسانی که راز تولیدشان یکی از غنایم جنگی به شمار می‌آمد، پس از شکست چینی‌ها از عباسیان

نخستین کتاب به زبان عربی، قرآن کریم است. اعراب، ادبیات جاهلی را در قالب آوا، داستان و نغمه در حافظه‌ها نگاه داشته، شفاهی نقل می‌کردند. قدمت کهن‌ترین نمونه‌های مکتوب موجود از نیمه قرن ششم میلادی فراتر نمی‌رود. با این وجود، تنها در دوره اموی است که فرهنگ نوشتاری مسلمانان از جمع و تدوین بقایای کهن ادبی الهام می‌گیرد. ریشه این فرهنگ نوشتاری را در پیدایش کتابت پیشتر قرآنی و پس از قرن هفتم میلادی می‌توان یافت که در آن «کتاب اسلامی» شکل گرفت. کتابسازان مسلمان در کار خویش از مواد و فنون مورد استفاده همسایگان قبلی (مصری) و حبشی خود، اقتباس کردند. آنان از قرن چهارم میلادی کتاب‌هایی از کاغذ پوستی و پاپیروس ساخته، با الواح^۴ و چرم صحافی می‌کردند. در تاریخ کتاب اسلامی به سختی می‌توان طومار را که پیش از این در قرن سوم مشکل کتاب‌جانشین آن شده بود، مورد توجه قرار داد. اسلام، کتاب آسمانی خویش (یعنی قرآن) را از نوشته‌های غیر دینی (یعنی نوشته‌های طوماری) تمایز داد. این شیوه به خصوص مشخصه قرآن کریم شد.

بنابر روایات، نخستین کتاب اسلامی، مجموعه‌ای از آیات قرآن بود که بر روی صفحاتی در میان الواح چوبین که در عربی مَصْحَف یا مَصْحَف - واژه حبشی کتاب^۴ - نام دارد، قرار

* این مطلب ترجمه مقاله Books and Book-Making مندرج در دایره المعارف ادبیات عرب، ویراسته جولیا اسکات میشمی و پل استارکی، راتلیج، لندن و نیویورک ۱۹۹۸ است.

1. John. L. Sharpe.

2. William. R. Perkins Library, Duke University, North Carolina.

۳. لوح یادیه، ورقه‌ای از چوب، کاغذ و مقوای چسبانده برای داخل جلد. هاشمی میناباد، حسن، فرهنگ نسخه‌شناسی و ...، چاپ فهرست نگاران و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۸. ذیل واژه Board. (مترجم)

۴. نیز بسنجیدا: جفری، واژه‌های دخیل ... ترجمه بدره‌ای، ص ۲۸۸، توس، ۱۳۷۲. (مترجم)

5. Paper.

گوساله را با نوشتن افزارهای ایرانیان که پوست گاو میش، ماده گاو و یا گوسفند بود. مقایسه کرده است. هنگامی که در نبرد میان امین (حک ۱۹۳-۱۹۸ هـ/ ۸۰۸-۸۱۳ م) و برادرش مأمون، خزانه‌ها به یغما رفت، مردم بغداد ناگزیر شدند تا بر کاغذهای یکبار استفاده شده‌ای که با نوره نرم گشته و بخش عمده آن آهک بود، مطالب خویش را بنگارند. کوفی‌ها با استفاده از ساق خرما در تهیه کاغذ، چنین کاغذهایی را بسی مطلوب‌تر می‌ساختند. پوست بز و گوسفند ابزارهای رایج ساخت کاغذهای پوستی در صدر اسلام بود؛ اما از پوست حیوانات وحشی چون آهو هم استفاده می‌کردند. این پوست‌ها، کیفیت بسیار بالایی داشتند. آنها نرم، شکل‌پذیر و به رنگ کرم روشن بودند. بیزانسی‌ها گاه کاغذهای پوستی را به رنگ آبی تیره درمی‌آوردند و با جوهر طلایی رنگ بر آن می‌نوشتند.^۱

شیوه‌های مرسوم نگارش

وقتی به سال ۱۸ هـ/ ۶۳۹ میلادی، مسلمانان مصر را فتح کردند، از نزدیک با قبطی‌هایی که نوشته‌های مقدس و دینی شان را به شکل کتاب نگاه می‌داشتند و هم از کاغذ پوستی و هم از پاپیروس استفاده می‌کردند، تماس یافتند. احتمال دارد که عباسی‌ها تحت تأثیر همسایگان قبطی خود، شکل کتاب را برای قرآن اقتباس کرده باشند. در سال ۱۲۶ هـ/ ۷۴۲ سپاهیان مسلمان، سرزمین‌های میان اسپانیا تا مرزهای چین را تصرف کردند، در اواخر حکومت امویان و به ویژه در دوره عباسیان

۶. در این باب و نبرد زیاد بن صالح با اخشید فرغانه و بعد چینی‌ها و اسرای نبرد او، بنگرید: ابن اثیر، الکامل، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۵، وقایع سال ۱۳۳. (مترجم)

7. Board.

۸. پوست دباغی شده. (مترجم)

۹. صحیفه چرمین. (مترجم)

10. Khartes.

11. Kharter.

۱۲. نیز بسنجید با هاشمی، ذیل واژه Palimpsests. (مترجم)

۱۳. جوهر دان Ink-well. (مترجم)

۱۴. شصت و هشتمین سوره قرآن کریم هم قلم نام دارد که با سوگند به قلم آغاز می‌شود. (مترجم)

۱۵. مرکب. (مترجم)

۱۶. جوهر. (مترجم)

۱۷. ماده‌ای که از بلوط به دست می‌آید و به اندازه فندق است. ماز و دانه هاشمی میناباد، حسن، ذیل واژه و نیز بسنجید با: دهخدا، لغت‌نامه، ذیل همان واژه. (مترجم)

۱۸. گویا تعبیر این ندیم درست نباشد و ندیم به تنهایی قرین صحت باشد.

در نزدیکی رودخانه طراز در آسیای مرکزی به سال ۱۳۳ هـ/ ۷۵۱ م^۶ به جهان اسلام راه یابد، نوشت افزارهای اولیه برای نامه‌های کوتاه، یادداشت‌ها و دستورالعمل‌ها، در میان دیگر چیزها، استخوان (تیغه‌شانه، کتف یا لوح الکتف و دنده، Dil)، لوح چوبین،^۷ سنگی، سفالی و بن نخل (عصیب، به صورت جمع عُصَب) بود. اسناد طولانی‌تر بر روی ورقه‌های (صُحف، مفرد آن صحیفه)، چرم (ادیم،^۸ چرم قرمز یا قضمیم،^۹ چرم سفید یا رق ابیض، رق سفید یا چرم نازک یعنی کاغذ پوستی) و بر روی پاپیروس (قرطاس، ظاهراً مأخوذ از خرتیس،^{۱۰} خرتیای یونانی^{۱۱} و طرس^{۱۲} (به صورت جمع طروس، اطراس)، تقریباً همیشه قطعه‌ای از چرم یا کاغذ پوستی که نوشته را برای استفاده دوباره از آن محو کنند، نوشته می‌شد. هنگامی که مسلمانان برای اولین بار سخنان پیامبر (ص) (حدیث) را جمع‌آوری کردند، پاپیروس و کاغذهای پوستی در نوشتن، ابزارهای معیار بودند.

ابزار نگارش قلم‌نبین بود (قلم از قلم‌سوس یونانی) که در حوزه دریای مدیترانه رواج داشت. این نی را با چاقویی تیز می‌بریدند و نوک آن را بر روی قطعه‌ای استخوان یا چیزی مشابه (مقطعه) نهاده، به دقت می‌بریدند. نوشت افزار را همراه با دوات^{۱۳} در یک طرف جعبه می‌نهادند. مهم‌ترین نوشت افزار همین قلم‌نی بود؛ زیرا طبقه کامل کاتبان را نشان می‌داد. این قلم را با برداشتی عرفانی- تا حد وسیله‌ای الهی که با آن هر چیز رخداندنی یا مقدر به رخداد، نوشته می‌شود، بالا برده و لذا آن را مظهر اراده الهی در همه چیز می‌دانستند.^{۱۴}

جوهر سیاه^{۱۵} (حبر، مداد^{۱۶}) را از دوده چراغ می‌ساختند که آن را مانند جوهر قرمز (ساخته شده از جیوه) در ظروف کوچکی در هم می‌آمیختند. جوهر سیاه را با قرار دادن فتیله‌هایی سوخته در زیر یک سرپوش آهنی قیفی به دست می‌آوردند؛ موقعی که آن روکش سیاه می‌شد، دوده را جمع کرده، با چیزی مانند موم یا صمغ می‌آمیختند. گاه مس، نمک یا مازو^{۱۷} را نیز به این ترکیب می‌افزودند. گاهی در مصر دوده چراغ را از سوزاندن ورقه‌های کهنه پاپیروس به دست می‌آوردند. مقداری از دستورالعمل‌های تهیه جوهر، به دست ما رسیده است. رنگ مطلوب برای متن، سیاه خالص بود. رنگ‌های قرمز، سبز و آبی نیز کمابیش استفاده داشت و رنگ قرمز را به ویژه برای نگارش مصوت‌های قرآنی، عنوان سوره‌ها و گاه موضوعی که نیاز به تأکید داشت، به کار می‌بردند.

ابن ندیم^{۱۸} (حدود ۳۷۷ هـ/ ۹۸۷ م) در الفهرست، نوشت افزارهای بیزانسی، رق، پوست خسر وحشی یا کاغذ پوستی و پوست

نهادهای سیاسی و اجتماعی به سرعت در کوفه و بغداد گسترش یافتند که به نوبه خود مایه جمع و تدوین نوشته های دینی و غیردینی شدند. هرچند وحدت سیاسی جهان اسلام نمی توانست ادامه یابد، ولی فرهنگ اصیلی که در اسلام متجلی بود، به زبان عربی که زبان دین، فلسفه، فقه و اخلاق و نیز علوم تجربی و پزشکی است، انتقال می یافت. استفاده از قرآن کریم، زبان عربی و کتاب اسلامی را محدود به موضوعات اسلامی نمود و تا قرن دهم و پس از آن که دیگر زبان های علمی اسلامی مانند فارسی و بعدها ترکی با زبان عربی به معارضه پرداخت، کار بر همین منوال باقی ماند.

در دوره عباسی، حکومت زبان عربی را تنها زبان نوشتاری نمی دانست، بلکه آن را فنی می پنداشت که دولت باید از آن حمایت کند. وراقون، عنصری مهم بودند و به دلیل نیاز سرزمین های تازه مسلمان به نسخ قرآن، فن وراقه شکوفا شد. همان گونه که نیروی سیاسی خلفای عباسی گسترش می یافت، نیاز به اسناد و ارتباطات مکتوب در دیوانسالاری نیز افزایش می یافت.

نص قرآن که در دوره ابوبکر (۱۱-۱۳هـ / ۶۳۲-۶۳۴م) گرد آمد، ۱۹ در دوران خلافت عثمان بن عفان (۲۴-۳۵هـ / ۶۴۴-۶۵۶م) در شکل نهایی خویش انتشار یافت. به علاوه مسلمانان گفتار و اعمال پیامبر (ص) (حدیث، سنت) ۲۱ را تدوین کردند. مسلمانان نسل اول احادیث پیامبر (ص) را که از دید ایشان در رفتار فردی و شیوه های حکومت درست و الزام آور بود، جمع آوری کرده، سرانجام در قالب مجموعه های متداول کتاب های شش گانه ۲۲ گرد آورده، تدوین نمودند. دیگر مباحث گسترده و مختصر فقهی نیز مجموعه چهل حدیث ۲۳ (اربعون، چهل حدیث اخلاقی مهم که دربردارنده اصول مهم زندگی دیندارانه است) را تشکیل می دهد. ۲۴

ظهور نوشتار دینی در کنار سرودن شعر، نگارش تاریخ، جغرافیا، ادبیات و نوشته های فلسفی و علمی ادامه یافت. جایگاه مهمی که قرآن پژوهی به دست آورد، تکثر شرح و تفاسیر قرآن را به دنبال داشت که همه چیز از جمله روابط تاریخی، اشارات نص قرآن، مباحث صرفی و نحوی، ملاحظات بلاغی و موضوعات اعتقادی و فقهی را می کاوید. خود کتابت، نقشی مهم در کشورداری و دانش اسلامی به دست آورد. جریان تولید قطعات کاغذ ۲۵ مهم ترین کمک را به این ظهور نمود. به همراه این فناوری، قطعات کاغذ اساس دیوانسالاری دولتی و همچنین نیازهای گسترده فرهنگی جامعه ای شد که براساس تعبیر زبان نوشتاری قرار داشت.

فراگیری فناوری کاغذسازی

از شواهد موجود در اسناد مصری درمی یابیم که نخستین نوشت افزار کتاب اسلامی «پاپیروس» بوده است. شمار زیادی از نمونه های پاپیروس که عمدتاً به شکل صفحاتی جداگانه و به تاریخ قرون دوم- سوم هـ / هشتم- نهم م- هستند، پیدا شده است. مؤسسات قدیمی مثل دفترخانه (دیوان) ۲۶ تا نیمه قرن پنجم خ/ یازدهم م- که مجبور به استفاده از کاغذ شدند، اسناد حکومتی را به شکل طومارهای پاپیروسی نگاه می داشتند. براساس منابع تاریخی و ادبی، در میان اسرای چینی که زیاد بن صالح، سردار عباسی در نبرد طراز به اسارت گرفت و به سمرقند آورد، صنعتگرانی بودند که در آنجا کاغذسازی می کردند و هم از ایشان بود که صنعتگران مسلمان فن کاغذسازی را آموختند. از ذکر یک بازار کاغذ در بغداد، به سال ۲۱۵-۲۱۷هـ / ۸۳۰-۸۳۲م هم درمی یابیم که در نیمه قرن سوم/ نهم م تجارت کاغذ، تجارتی مهم بوده است. در سال

۱۹. دانشمندان شیعه در این باب و جمع قرآن در زمان پیامبر و به دست حضرت امیر (ع) آرای دیگری دارند. قس: تعلیقه ۱۱۳ نگارنده بر ترجمه و تحقیق کتاب «مذهب شیعه» نوشته دواپت. م. دونالدس. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات دانشگاه تهران. (مترجم)
۲۰. مؤلف به جای عدد ۲۵، عدد ۳۶ نوشته بود که اصلاح گردید. مؤلف مقاله در مباحث پیشین و بعدی خود برخی از تاریخ ها را به اشتباه آورده که مترجم در حد توان خود برخی از آنها را اصلاح نموده است.
۲۱. سنت یعنی قول و فعل و تقریر مستحب و واجب معصوم. کاظم مدیرشانه چی، هلم الحدیث و درایة الحدیث، ص ۱۱، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹. (مترجم) مؤلف از آوردن نام کتب اربعه شیعه دریغ ورزیده است، برای درک علت این نوع کارها در تحقیقات غربی ها ر. ک: احمدوند، عباس، گلری بر مطالعات شیعی در غرب. مقالات و بررسی ها، دفتر ۶۳. (مترجم)

22. SixBooks.

23. The collection of forty.

۲۴. ر. ک: شانه چی، هلم الحدیث و درایة الحدیث، ص ۱۴۵، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹. (مترجم)

25. Rag Paper.

۲۶. درباره دیوان و بحث کامل از انواع آن ر. ک: عبدالعزیز الدوری، دیوان در صدر اسلام، حکومت اموی، دولت عباسی و فاطمی، ترجمه عباس احمدوند و منصوره مومنی، مجله تاریخ اسلام، ش ۷. (مترجم)

رویکردهای عقیدتی نسبت به فنون پیوسته به تولید کتاب هم مهم بود. به خاطر پیوند کتابسازان با قرآن، ایشان را مجسمه با شرافتی از هنرمندان می‌پنداشتند. از این رو همراه توسعه ابعاد گوناگون این فن - که به کار تصحیح، نسخه برداری و تدوین کتاب‌های لغوی، نحوی، تاریخی و فلسفی می‌پرداخت - گروهی خاص از وراقون نیز به این موضوعات اشتغال داشتند.

خوشنویسی

حرمت زبان نوشتار، به خوشنویسی اسلامی اهمیتی می‌دهد که نیاز به اغراق ندارد. عربی، زبانی که خداوند آن را ابزاری قرار داده بود تا پیامبرش بدان وسیله با انسان‌ها ارتباط برقرار سازد، نه فقط در لحن و آواکه در علائم یک متن هم باید از فساد پاکیزه می‌ماند. با این وجود خوشنویسان (خطاط) مانند وراقون، صنفی نداشتند. استنساخ قرآن به شکل هنری زیبا و آراسته، علمی پرهیزگاران به شمار می‌رفت؛ در عین حال که نسخه برداران در ازای کارشان دستمزد نیز دریافت می‌کردند. گاه نسخه برداران قیمت‌های گزافی برای نسخه‌های ظریفشان می‌خواستند و مردم نیز کار برخی از نسخه برداران را به ویژه به خاطر زیبایی خطشان، بسیار مطلوب می‌دانستند.

از آنجا که خوشنویسی پدر هنرهای تجسمی کهن اسلامی است، جایگاهی ممتاز در اسلام یافته است. بیشتر قرآن‌های کهن موجود به خط کوفی با ویژگی توجه فراوان به افقی بودن کلمات است. خط عربی در اواخر قرن سوم هـ/ نهم م آنگاه که ابن مقله (متوفی ۳۲۸ هـ/ ۹۴۰ م) اصول خطاطی را وضع کرد و برای هریک از حروف الفبای عربی، قواعدی مشخص نمود، به اوج رسید. از زمان ابن بواب، شاگرد ابن مقله عمدتاً خط‌هایی با نام‌های نسخ، محقق و ریحان در نگارش قرآن، کتیبه‌ها، نام سوره و صفحات آخر قرآن متداول بود و نوشته‌های دیگر را به خط‌های توقیع، رقع، ثلث و کوفی می‌نگاشتند.

صحافی و کتابسازی

در قرن اول هـ/ هفتم م، شکل کتاب آمیزه‌ای ترکیب یافته و با کارایی نیکو از مواد و اشکال فنی که می‌توانست با نیازهای وراقون مسلمان سازگار افتد، کمال یافته بود. ارتباطات نزدیک بعدی میان جوامع عرب و قبطی مصر در کتاب‌سازی اسلامی دوره‌های بعد تجلی یافت.

صحافی قبطیان مصر کیفیت فنی بالا و به طور قابل ملاحظه‌ای فنون نوآورانه تزیینی را نشان می‌دهد. از آنجا که عمده کار صحافی در اجتماعات راهبانه و در انزوا انجام می‌گرفت، شیوه

۳۰۰ هـ/ ۹۱۲ م کاغذسازی در سواحل شمال آفریقا گسترش یافت که از آنجا و از طریق تنگه جبل الطارق به اسپانیا (اندلس) راه یافت. به سال ۴۷۸ هـ/ ۱۰۸۵ م نخستین ذکر یک کارخانه کاغذسازی را اندلسی در طلیطله می‌شنویم.

اندازه قالب‌ها، اندازه صفحات را معین می‌کردند. تولیدکنندگان، اندازه‌های گوناگونی را در کار می‌آوردند و برخی انواع کاغذ در برخی نواحی خاص تولید می‌شد. در قرون سوم - چهارم هـ/ دهم - یازدهم م بهترین نوع کاغذ را کاغذ سفید خالص، با اندازه کامل، صاف و بالبه‌های متناسب می‌دانستند؛ برای اقلام تجملی هم قطعه‌های بزرگ و سنگین کاغذ را ترجیح می‌دادند. از قرن چهارم هـ/ یازدهم م به بعد کار تاجرانی که کاغذ اسلامی را به همراه فنون ساخت آن به امپراطوری بیزانس و دیگر نواحی اروپای مسیحی صادر می‌کردند، پر رونق بود. در قرن هشتم هـ/ چهاردهم م، همان‌طور که صنعت کاغذسازی در اروپا تأسیس می‌گردید، جهت‌گیری این حرفه هم‌آهنگی وارونه داشت. در اواسط دهه نخست قرن هشتم هـ/ سیزدهم صاحب منصبان آفریقای شمالی از برخی کاغذهای اروپایی استفاده می‌کردند؛ هرچند این کار پیش از اضمحلال صنعت کاغذسازی نیز در قلب جهان اسلام وجود داشته است.

کتاب‌سازی و وراقه

وراقه، حرفه‌ای است که به تولید، استنساخ، تصحیح و صحافی کتاب مربوط می‌گردد. وراق، کاتب دیوان، ناسخ، کاتب و کتابفروش بود. او همچنین می‌توانست غلط‌گیر، اصلاح‌کننده، دبیر و همیار تحقیقاتی و نیز کاغذفروش و صحاف باشد؛ زیرا وراقان تقریباً در همه جنبه‌های تولید کتاب درگیر بودند. وراقون اساس محافل فکری و سیاسی به شمار می‌رفتند. ایشان به ویژه در دوران حکومت عباسی بایلدند و در ایجاد علاقه به شاخه‌های گوناگون دانش سهیم بودند. اعمال آنان و ویژگی‌های بخصوص تجارشان از مسیحیان، مانویان و یهودیان یادگارهایی داشت. سازمان در پس تجارت کتاب که کاملاً به هم پیوسته بود، از شاخه‌های فراوان تشکیل می‌شد و در سراسر جهان اسلام گسترش داشت. اهمیت وراقون قرآن و حدیث در واقع اهمیت ویژه و سایر کار آنان را نشان می‌دهد.

کار نسبتاً برای قرن‌هایی رقیب ماند و پس از آن به صنعتگران مسلمان رسید. ویژگی صحافی قبطی و اسلامی استفاده فراوان از طرح‌های هندسی است که محدوده اصلی کتاب را پر کرده، گستره‌ای از جلد بالایی که زیانه جلویی را شکل می‌دهد کوک حلقوی را که صحنه‌ها - که بوسیله آنها هر صحنه به مجموعه مجاور ملحق می‌گردد - و عطفی ساده را که مستقیماً به دوخت و انحنای قالب متن می‌چسبد، می‌دوزد.

لبه جلو و لفافه پنج ضلعی زیانه دار که ویژگی خاص صحافی اسلامی است، ریشه در شیوه‌های بندپیچی زیانه دار دارد که در صحافی‌های کهن مسیحیان شرق به چشم می‌خورد. علی‌رغم این که معمولاً هنگام چسباندن کتاب در زیر جلد بالایی جا داده می‌شود، اغلب چنان که پیداست، تصویر می‌گردد.

بنابر حکایت مربوط به نخستین نسخه قرآن، در ابتدا الواح چوبین تداول داشته و جلدهای ساخته شده از آنها را می‌توان در بیشتر صحافی‌های کهن دید.

از همان دوره‌های آغازین و پس از آن، برگه‌های دورریختنی پایروس را در کنار هم چسبانده، با فشار خشک می‌کردند تا الواح نازک را شالوده جلدهای کتاب قرار دهند. آخرین استفاده مضبوط از الواح چسبیده پایروس جلد کتابی است متعلق به قرن پنجم هـ/ یازدهم م که در کتابخانه ملی مصر در شهر قاهره وجود دارد. چنین الواحی صورت ابتدایی الواح کاغذین به هم چسبیده هستند که از ویژگی صحافی اسلامی دوره‌های بعد به شمار می‌آیند.

در حالی که به طور خاص کتاب‌های غربی، ترتیبی عمودی دارند، نخستین کتاب‌های اسلامی به تأثیر قرطاس‌های طوماری^{۲۷} یا شاید در پاسخ به ویژگی خاص خود خط کوفی و یا به تقلید از قاب‌بندی کتیبه‌های قرآنی در معماری، ترتیب افقی را ترجیح می‌دهند. کاربرد ترتیب عمودی در قرن چهارم هـ/ دهم م با تغییر کاغذ پوستی به کاغذ و رواج خط کوفی شرقی آسان‌تری همراه بود. دسته‌ای کاغذ از صفحات عظیمی که لبه‌های طولانی‌شان را از نیمه‌تای می‌زدند، به دست می‌آمد؛ هر تایی خاص، درست در زاویه تایی قبلی قرار داشت. با یک، دو، سه یا چهار بار تا کردن، دو، چهره، هشت یا شانزده برگه به ترتیب به دست می‌آمد. این دسته‌ها را با وارد کردن دسته‌های دوبرگی در هم، تولید می‌نمودند. پس از این که برگه‌ها تا می‌خورد و جمع می‌گشت، آنها را به طور منظمی می‌بریدند و بعد به وسیله قالبی (مسطرة) راست و خط‌کشی شده، به طور مساوی ردیف‌های میانی لازم در نوشتن و حواشی را به وجود می‌آوردند.

آنگاه برگه‌های کاغذ را بر روی ته خط یا نخ‌های قالبی و خط‌کشی شده‌ای می‌فشرده. آن ته خط‌ها یا نخ‌ها اثر خویش را برای ایجاد خط، راهنمای نوشتن برجای می‌نهادند.

هنگامی که کار کاتب به پایان می‌رسید، صحاف برگه‌ها را برای دوختن جمع کرده، الواح جلد را به آن ملحق می‌ساخت. اما گاهی صحافان دست‌نوشته‌های مفصل را نمی‌دوختند و جلد نمی‌کردند، بلکه آنها را مرتب می‌کردند و می‌آراستند تا به شکل مجموعه‌ای ردیف شود. این مجموعه جلدی فوقانی و تحتانی داشت که عطفی را بدان متصل می‌کردند و لفافه‌ای لبه دار و زیانه دار برای آن فراهم می‌آوردند که از طرف جلد تحتانی باز می‌شد.

گاه خود آن مجموعه را در یک جلد آستردار، که بالا و پایینش باز بود و مجموعه اوراق را در خود جای می‌داد، می‌نهادند. ولی معمولاً صفحات تا شده و گرد آمده را می‌دوختند و برای دوخت آن هم از کوک حلقوی یا قبطی یا کوک زنجیره‌ای استفاده می‌کردند، برای اتصال صحنه‌ها در هر محل دوخت سوزن و نخ را از داخل عطف تا شده، به سمت خارج و پایین عبور می‌دادند تا به دور نخ‌کی که از محل دوخت قرینه درست شده و دقیقاً از زیر آن بیرون آمده بود، حلقه شود. بدون توجه به ترتیب کار، بیشتر دو محل دوخت ایجاد می‌کردند و برای دوخت، نخ عالی ابریشمین و رنگین به کار می‌بردند. الواح جلد‌ها را عموماً به وسیله مفصلی که از پرزهای به هم چسبیده ساخته شده و در آن محل قرار داشت، می‌چسبانده.

جلدسازی

با وجود این که مسلمانان در ساختن الواح جلد از منسوجات و کاغذ استفاده می‌کردند، ماده معمول در این کار چرم و خمیر بود. چرم را ابتدا به الواح چسبانده، سپس با پارچه، کاغذ پوستی یا چرم می‌پوشاندند و تزیین می‌کردند. سرانجام با تزیین جلد اشکالی چند هم‌بدان می‌بخشیدند. آن الواح را با چرم

۲۷. این تعبیر و نیز تعبیر عموده پیچ از آن آقای حسن هاشمی میناباد، نویسنده فرهنگ‌نسخه‌شناسی و... است. ر. ک: همو، ذیل واژه. (مترجم)

خلیفه و صنعتگر به طور یکسان در جستن کتاب‌های پر ارزش و نایاب با یکدیگر رقابت می‌نمودند. پیش از این تاریخ، به سال ۳۷۷هـ/ ۹۸۷م ابن ندیم کتاب الفهرست، یک شرح حال کتابشناسی مهم را عرضه داشته بود. همچنین آثاری فراوان که در بردارنده اسامی متعدد دانشمندان، ادبا، خطاطان و نسخه برداران بود هم وجود داشت. اطلاعات جامعی درباره بسیاری از کتابخانه‌ها در اخبار مکتوب کتاب‌های تراجم، تاریخ و ادبیات پراکنده است.

نخستین مجموعه سازمان یافته و گسترده کتاب در جهان اسلام بیت الحکمة (خانه حکمت) است که مأمون (۱۹۸-۲۱۸هـ/ ۸۱۴-۸۳۳م) در بغداد بنیان نهاد؛ این مرکز دارای یک بخش ترجمه، یک کتابخانه و یک رصدخانه بود؛ کتاب‌هایی در همه شاخه‌های علم داشت و تا هنگام حمله مغولان به بغداد در سال ۶۵۶هـ/ ۱۲۵۷م پروتق بود. یکی از مهم‌ترین کتابخانه‌های اسلامی، کتابخانه‌ای است که حاکم، خلیفه فاطمی به سال ۳۹۵هـ/ ۱۰۰۵م در قاهره تأسیس نمود. در آکادمی^{۳۱} او دارالعلمی که پیوسته به یک کاخ بود، یک کتابخانه پر از کتاب و نیز تالارهایی^{۳۲} برای جلسات بحث وجود داشت. حاکم تمهیدات لازم را برای نسخه برداری و تعمیر کتاب‌ها و نگاهداری عمومی کتابخانه - که نقل است در یک زمان، یک میلیون جلد کتاب داشته - اندیشیده بود.

در قرطبه هم حکم دوم (۳۵۰-۳۶۶هـ/ ۹۶۱-۹۶۶م) کتابخانه‌ای را در کاخ خویش بنا نهاد. کارکنان کتابخانه که زیر نظر یک کتابدار به نام بکیه^{۳۴} قرار داشتند، شامل کاتبان و

آراسته تکه دوزی شده یا چرم نقاشی شده، طرح می‌دادند و می‌شکافتند و صحافی و تذهیب می‌نمودند یا این که با چرم مزین به ملیله دوزی و مرصع و یا مملو از طرح‌های نقاشی یا صفحات نقش دار، می‌پوشاندند. در ایران به ویژه در اواخر دوره تیموری (حدود ۱۵۰۰م) جلد‌های لاک‌ی رواج یافت که در طی قرن نوزدهم میلادی نیز پر رونق بود؛ در ساخت این جلد‌ها تکنیک خاصی را به کار می‌بردند. بدین ترتیب که جلد‌های ساخته شده از الواح به هم چسبیده را با بتونه می‌پوشاندند؛ روی این بتونه را نیز با صفحه‌ای از نقاشی آبرنگ پر می‌کردند و با لایه‌های متعدد لاک شفاف، این نقش را نیز می‌پوشاندند.

نگارگری

علی‌رغم اینکه اسلام به طور عام صورت‌نگاری را نهی کرده،^{۲۸} وجود کتاب‌های مصور نشانگر آن است که مسلمانان، این نهی را چندان جدی نگرفته‌اند و حتی در دوره‌های آغازین اسلام، دیوارهای خانه اشخاص و اماکن مذهبی را با تصویر مزین می‌ساختند. اقامتگاه‌های شکار امویان در شام و فلسطین نقاشی‌های دیواری عظیمی دارند و عباسیان، جانشینان ایشان نیز تصویرگری را در عراق تشویق می‌کردند. در دربار ممالیک، هنرمندان نسخه‌های باشکوهی را از قرآن، پدید می‌آوردند. کتاب‌های علمی، تاریخی و ادبی بیشتر پر از تصویر بود. صنعتگران دربار مغولان، تیموریان، صفویه، مغولان هند و عثمانی، دواوین شعر فارسی و کتاب‌های تاریخی را به زیبایی تصویر می‌نمودند. اغلب این کتاب‌های باشکوه قطعی بزرگ داشتند و هنرمندان آنها را با جلد‌های چرمی و مطلای ارزشمند تزیین می‌کردند.

کتابخانه‌ها و کتاب‌دوستان

در نهادهای آموزشی نه تنها کتاب استنساخ می‌شد، بلکه عده‌ای یادداشت‌هایی از مباحث طرح شده را نیز نوشته، بسط داده و سرانجام به صورت کتاب و رساله منتشر می‌ساختند. از آنجا که دانشمندان مجموعه‌هایی را در باب این مباحث جمع‌آوری می‌کردند، این مجموعه‌ها نیز در نوع خود ارزشمند بودند.

۲۸. اسلام مبتنی بر توحید است و وحدت را نمی‌توان با هیچ تصویری نشان داد و بیان کرد؛ ولی به کار بردن تصویر در هنر اسلامی نیز به کلی منع نگردیده. در هنری که اختصاص به امور دینی ندارد می‌توان از تصویر استفاده نمود به شرطی که تصویر خداوند و یا چهره پیامبر (ص) نباشد. بورکهارت. ت. روح هنر اسلامی، ترجمه سید حسین نصر. مندرج در «مبانی هنر معنوی»، حوزه هنری، تهران، ۱۳۷۲. (مترجم)

۳۰ و ۳۱. نویسنده باز همچون گذشته تاریخ‌ها را به خطا آورده و به تبع در معادل فرنگی آنها نیز به اشتباه افتاده که خواننده آگاه باید متوجه این سهواً القلم‌ها باشد. مترجم چنان که گذشت به اندازه توان خود، خطاهای نویسنده را اصلاح نموده است. (مترجم)

۳۲ و ۳۱. دکتر نورالله کسایی مترجم کتاب تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۸۵-۱۰۰ تعبیر آکادمی را برای بیت الحکمه و دارالعلم برگزیده و واژه تالار را هم به کار برده است که مترجم این واژه‌ها را از ایشان وام گرفته است. قس: عبدالرحیم غنیمه، کتاب سابق الذکر، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲. (مترجم)

۳۳. این تاریخ نیز، به اشتباه ۳۵۱ بود که اصلاح شد. (مترجم)

صحافانی چند می شدند.

حکم، عمالی در هر منطقه داشت تا برای وی به صورت خرید یا استنساخ کتاب تهیه کنند. متأسفانه در دوران جانشین او منصور^{۳۵} که مخالف علوم قدیمه- آثار فلسفی، نجومی، ریاضی و امثال آنها بود، این کتاب‌ها از کتابخانه بیرون ریخته و سوزانده شد. در سال ۴۰۱ هـ/ ۱۰۱۱ م نیز هنگامی که قرطبه مورد هجوم بربرها بود، واضع عامری بخش عمده‌ای از کتابخانه را برای تهیه پول فروخت؛ باقیمانده کتابخانه را هم دشمن از بین برد.

چاپ^{۳۶}

نخستین کتاب چاپ شده عربی *Diurnale Graecorum Arabum* است^{۳۷} که به سال ۹۲۰ هـ/ ۱۵۱۴ م در ایتالیا به چاپ رسیده است. دو سال بعد پ. پ. پارز^{۳۸} کتاب مقدس چندزبانه‌ای را که متن عربی نیز داشت، در جنوا به چاپ رساند و نص قرآن کریم نیز دو سال بعد در ونیز به چاپ رسید. ۳۹ ژاکوب میلیوس^{۴۰} هم یک کتاب نحو عربی را همراه ترجمه رساله پولس^{۴۱} خطاب به مردم گالاتیا،^{۴۲} به سال ۹۹۱ هـ/ ۱۵۸۳ م در هایدلبرگ منتشر کرد. چاپخانه‌های مدیچی^{۴۳} در رم (۹۹۲ هـ/ ۱۵۸۴ م)، پیزا (۱۰۳۷ هـ/ ۱۶۲۷ م) و فلورانس فعال بودند. آنها علاوه بر نحو عربی یوهانس رایموندی^{۴۴} و وصف الارض ادیسی، قانون، رساله طبی ابن سینا را هم چاپ کردند.

در جهان عرب، ابتدا کلیسا صنعت چاپ را رواج داد. نخستین چاپخانه را در حدود ۱۰۰۹ هـ/ ۱۶۰۰ م در صومعه قضاویه^{۴۵} واقع در جنوب تریپولی تأسیس کرده‌اند. به سال ۱۱۱۸ هـ/ ۱۷۰۶ م و از طریق شهر حلب حروف چاپی عربی در سوریه رواج یافت و در چاپ اناجیل، مزامیر (داوود(ع)) و دیگر متون دینی مورد استفاده قرار گرفت. سپس چاپخانه‌ای در دیر یونانیان ارتدوکس، سن جورج،^{۴۶} واقع در بیروت تأسیس شد. صنعت چاپ در سال ۱۸۳۴ آنگاه که مبلغان امریکایی پروتستان چاپخانه‌ای را از مالتا به بیروت منتقل کردند، حرفه‌ای پررونق گشت؛ آنان در بیروت کتاب‌هایی در موضوعات گوناگون مانند اصول اعتقادی مسیحیت، جغرافیا، ریاضیات، فیزیک و دیگر شاخه‌های علوم طبیعی و نیز فرهنگ‌های زبان‌های اروپایی منتشر کردند.

رواج صنعت چاپ با دشواری‌هایی نیز مواجه می‌شد. در سال ۸۹۰ هـ/ ۱۴۸۵ م بایزید دوم، سلطان عثمانی، فرمان ممنوعیت تملک مطالب چاپی را صادر کرد؛ به سال

۹۲۱ هـ/ ۱۵۱۵ م هم سلیم اول دوباره چنین فرمانی صادر کرد و فرمان بایزید را قوت بخشید. استدلال آنان این بود که نام خدا که در هر صفحه از یک کتاب اسلامی وجود داشت، و با فرآیند چاپ، هتک حرمت می‌گردد؛^{۴۷} اما به تدریج مردم عمدتاً از طریق روزنامه‌های چاپی به کتاب‌های چاپی عادت کردند.

برای مدتی کوتاه قرآن کریم نیز مانند دیگر کتاب‌ها به شکل ثابت چاپ می‌گردید. ولی استفاده از چاپ سنگی (لیتوگرافی)^{۴۸}، نوعی چاپ که می‌توان با آن دستنوشته واقعی را دوباره خلق کرد، به مشکلات نصب ترکیب چندگانه اشکال یک حرف و اعراب گذاری حروف پایان داد.



۳۵. برخلاف نظر نویسنده، هشام جانشین حکم بوده و منصور حاجب او بوده است. وی بعدها حاکم بلا منازع شد، همچنین بربرها به سال ۴۰۰ هـ در جریان نزاع مهدی و سلیمان به قرطبه یورش بردند، واضح نیز غلام منصور بوده است، نه آنچنان که نویسنده آورده، وزیر منصور. جالب این که خود منصور هم برای جلب حمایت علماء، دستور سوزاندن کتابخانه را صادر کرده بوده است. آیتی، آندلس، ۱۰۰ و ۱۰۱، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۶؛ حتی تاریخ عرب، ترجمه پاینده، ۲/ ۶۸۰ و ۶۸۱. چاپ کتابچی و فرانکلین ۱۳۴۴؛ عنان، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ۱/ ۴۹۸-۴۹۹، انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۶۶. (مترجم)
۳۶. برای بحث دقیق از چاپ و نشر در جهان اسلام ر. ک: میخائیل والین، چاپ و نشر کتاب در جهان اسلام، ترجمه منصور معتمدی، ص ۲-۵، آینه پژوهش، ش ۵۲، مهر و آبان ۱۳۷۷. (مترجم)
۳۷. محققان در باب نخستین کتاب چاپی عربی، آرای دیگری نیز دارند. بسنجید با: بدوی، فرهنگ کامل خاورشناسان، ترجمه شکرالله خاکرند، ص ۴۸۲، ۴۸۴، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۵. (مترجم)
38. P.P. Porrus.
۳۹. در این باب ر. ک: احمدوند، عباس، گزارش کوتاه از چاپ و نشر قرآن کریم در غرب، آینه پژوهش، ش ۶۹، مرداد و شهریور ۱۳۸۰. (مترجم)
40. Jakab Mylius.
۴۱. منظور نامه مناقشه آمیز پولس رسول است که آن را یکی از کتاب‌های عهد جدید می‌پندارند، فرهنگ و بستر، طبع سوم. (مترجم)
۴۲. Galatia ولایتی از بیزانس که در اطراف آنکارای امروزی بوده است. (مترجم)
۴۳. درباره خاندان مدیچی (قرن ۱۵ م-۱۷۳۷)، حکومت آنان در فلورانس و چاپخانه‌هایشان ر. ک: مصاحب، دایرةالمعارف، ۲/ مدخل مدیچی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۴؛ و بدوی، ص ۴۸۳ و ۴۸۴. (مترجم)
44. Johannes Raimondi.
45. Quzahiya.
46. St George.
۴۷. خوشبختانه از این نوع تنگ نظری‌ها در ایران شیعه، کمتر وجود داشته است. (مترجم)
48. Lithography.